

مسئله حق رأی زنان در سوئیس

امروزه اکثریت قریب باتفاق کشورهای جهان تساوی حق و یکسان بودن رفتار را از نظر سیاسی بین زن و مرد قبول دارند.

ماده ۲۱ اعلامیه حقوق بشر که در سال ۱۹۴۸ بتصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید تصریح این مطلب است قسمت اول این ماده حاکیست که «هر شخصی حق دارد در اداره عمومی کشور خود چه مستقیم و چه غیرمستقیم یعنی وسیله نمایندگان که آزادانه انتخاب مینماید شرکت داشته باشد.»

و اما در سوئیس هیچکس منکر این نیست که همه افراد در برابر قانون مساوی هستند و ماده ۴ قانون اساسی فدرال (۱) این اصل بدیهی را کاملاً شناخته است. مع هذا تا گذشته نزدیکی استفاده از کلیه حقوق سیاسی از کلیه کانتنن‌ها برای زنها ممنوع بود و زن نمی‌توانست نه در امور مربوط به دولت فدرال (کنفدراسیون) و نه در امور مربوط به کانتون‌ها و نه در امور مربوط به شهرداریها دخالتی داشته باشد. میدانیم که صفت مشخص کنفدراسیون سوئیس عدم تمرکز کاملی است که همانند آنرا نمی‌توان یافت. بیست و پنج کانتنن یا شبه کانتنن که کنفدراسیون را تشکیل میدهند کاملاً در اداره امور خود مستقل بوده و «حاکمیت آنها را قانون اساسی فدرال نمی‌تواند محدود نماید» و این وضع را که از نظر حقوقی نیز قابل تأمل است ماده ۳ قانون اساسی فدرال پیش بینی نموده است. همچنین در داخل هر کانتنن نواحی مختلفه دارای خود مختاری زیادی هستند و بهمین دلیل گفته‌اند سوئیس کشور اجتماعات و نواحی کوچکست.

بالتیجه در سوئیس مسئله شرکت در امور سیاسی و اداره امور عمومی در آن واحد با سوئیس فدرال، کانتنن‌ها و نواحی تابعه کانتنن‌ها مربوط میشود و بموازات حق رای در امور فدرال حق رأی در امور مربوط به کانتنن‌ها و نواحی وجود دارد.

از مدت‌ها قبل کوشش‌های زیادی بعمل آمد که در امور سیاسی حق زنان شناخته شود و مثلاً حق رأی نمایندگان پارلمان بآنها اعطاء گردد. اولین کوشش در این باره را از سال ۱۸۷۴ آغاز کرده‌اند و از آن تاریخ و پس از جنگ بین‌المللی اول مساعی هواخواهان دخالت زن در امور سیاسی افزایش قابل ملاحظه یافت.

بالاخره شورای فدرال (یعنی دولت فدرال) به مجمع یا پارلمان فدرال (سرکب از دو مجلس شورای ملی و شورای دولتها) در پیام مورخ ۲۷ فوریه ۱۹۵۷ پیشنهاد کرد که حق رأی زنان را در امور فدرال (امور مربوط بدولت مرکزی) بپذیرد و بدین طریق قانون

اساسی مربوطه را اصلاح نماید. شورای مزبور یعنی دولت مرکزی برای تقویت پیشنهاد خود مسئله حقوق طبیعی و تساوی حق افراد را پیش کشیده و یادآور شد که «تساوی حق و رفتار بین زن و مرد را نه فقط آئین مسیح پذیرفته بلکه فصل غیر قابل انکاری از حقوق طبیعی بشری است» و قانون اساسی کشور فدرال سوئیس نیز منکر حق مزبور نیست و بعلاوه تساوی حق لزوماً بمعنی مساوات مطلق تمام افراد نیست بلکه در موارد استثنائی می توان عدم مساوات را قبول کرد و صحیح شناخت. ولی چون در سوئیس نیز مانند تمام نقاط جهان وضع زن در خانواده و اجتماع و اقتصاد اداره کشور دستخوش تحول قابل ملاحظه شده و زنان در اکثر قریب باتفاق موارد همدوش مردان فعالیت دارند دلیل سهمی برای منع آنان در دخالت امور سیاسی باقی نمانده است. در ۱۳ ژوئیه سال ۱۹۵۸ پارلمان فدرال پیشنهاد دولت فدرال را که باین طریق قانون اساسی را دگرگون میساخت پذیرفت و در امور «فدرال» برای زنان حق رأی و اظهار نظر تائیل شد. ولی چون هر نوع تجدید نظری در قانون اساسی فدرال باید بوسیله مردم و کانتنن ها مورد تصویب قرار گیرد و در این مورد فراندوم اجباری است در تاریخ اول فوریه ۱۹۵۹ تجدید نظر مذکور در قانون اساسی با ۶۵۴۹۳ رای مخالف در مقابل ۳۲۳۷۲۷ رأی موافق رد شد و در ۲۲ کانتنن از ۲۵ کانتنن تشکیل دهنده کنفدراسیون سوئیس اکثریت منفی بود.

معهدنا ضمن همان فراندوم اولین شکاف در صفوف متحد رأی دهندگان (یعنی مردان) که سالهای سال مخالف حق رأی زنان بودند پدید آمد. چه در همان فراندوم رأی دهندگان کانتنن و د (۱) حق رأی زن را در اداره امور مربوط بکانتنن خود پذیرفتند و باین ترتیب قانون اساسی کانتنن یاد شده اصلاح شد. دو کانتنن ژنو و نوشاتل (۲) نیز بترتیب در سالهای ۱۹۵۹ و ۱۹۶۲ اصل مورد بحث را پذیرفتند. باید یادآوری کرد که این مسئله پس از فراندوم در ژنو تصویب شد و چهار بار قبلی نتیجه آراء منفی بود. در کانتنن های دیگر مانند زوریخ و بال و ویل نتیجه تاکنون منفی بوده است (۳).

در خارج از سوئیس و با توجه بتمدن این کشور این نکته عجیب بنظر میرسد که زن سوئیس را بتوان از حقوق و دخالت در امور سیاسی کنار نگهداشت و بدینیهی است که این مسئله با انتقاد فراوانی روبرو شده است و باید علت چنین وضعی را عمیقاً بررسی نمود. یکی از علل مهم آن سهم بزرگ فراندوم در دموکراسی سوئیس است. حقوق سیاسی را قانون اساسی و یا قوانین معینی مشخص میسازند درین نوع دموکراسی مردم (طبقه حائز شرایط رأی دهنده) باید تجدید نظر در قانون اساسی و همچنین قوانین سهم و معینی را تصویب کنند. در سوئیس توده صاحب حق رأی را مردان تشکیل داده اند و بنابراین آنها باید حق شرکت زنان را در اداره امور سیاسی و امور مربوط بدولت مرکزی بشناسند.

در کشورهای دیگر حق اعطاء رأی بزنان لزوماً وابسته بفراندوم نبوده و بتصمیم پارلمان بستگی داشت و یا اینکه نتیجه یک عمل انقلابی بوده است مثلاً در ایالات متحده امریکای شمالی نوزدهمین تجدید نظر در قانون اساسی فدرال در ۲۶ اوت ۱۹۲۲ انجام گرفت و حق رأی در امور فدرال بزنان اعطاء گردیده و نیز در انگلستان در سال ۱۹۱۸ طبق قانون

۱ - (VAUD)

۲ - NEUCHATEL ۳ - تاریخ نگارش این مقاله آخر سال ۱۹۶۱ بوده است

این صفحه در اصل مجلد ناقص بوده است

شپوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی